



حضرت امام سپس به کلام نهایی خود درباره این روایات پرداخته و می نویسد:

«فتلك الروایات بما أنّها مخالفة للكتاب و السنّة المستفیضة، و بما أنّها مخالفة لحكم العقل كما تقدّم، و بما أنّها مخالفة لروایات النهی عن المنكر، بل بما أنّها مخالفة لأصول المذهب و مخالفة لقداسة ساحة المعصوم- عليه السلام-، حيث إنّ الظاهر منها أنّ الأئمة- عليهم السلام- كانوا يبيعون تمرهم ممّن يجعله خمرا و شرابا خبيثا و لم يبيعه من غيره، و هو ممّا لا يرضى به الشيعة الإمامية، كيف! و لو صدر هذا العمل من أواسط الناس كان يعاب عليه. فالمسلم بما هو مسلم و الشيعي بما هو كذلك، يرى هذا العمل قبيحا مخالفا لرضا الشارع، فكيف يمكن صدوره من المعصوم- عليه السلام-؟ و احتمال أن يكون البيع مشتملا على مصلحة غالبية أو تركه على مفسدة كذلك توجب الجبران و معه لا قبح فيه بل لعلّ القبح في تركه، فاسد، فإنّه مع كمال بعده في نفسه بل بطلانه- لأنّ في مثل تلك العناوين الاعتبارية ليست مصلحة ذاتية لا تصل إليها العقول، نعم، قد تكون في بعض الأحيان مصلحة التسهيل أو مفسدة التضييق موجبة لمثل ذلك، لكنهما في المقام غير محقّقة، لأنّ في ترك البيع لخصوص الخمر ليس تضييقا و لا في تسهيله مصلحة جابرة لمثل مفسدة ترويج الخمر و تشييع تلك الفاحشة- إنّ مخالفة لظاهر الأخبار، فإنّ مفادها أنّ الجواز لأجل كون البيع في إبان حليّته، و أنّه إذا حلّ شربه و أكله حلّ بيعه و أنّ الوزر على صانعه، و هو مخالف لجميع ما تقدّم من العقل و النقل.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. روایات مجوزه چون:
  - ✓ مخالف با آیه شریفه است (آیه تعاون).
  - ✓ مخالف با سنت مستفیضه است (که دال بر حرمت اعانه بر اثم است).
  - ✓ مخالف با روایات نهی از منکر است.
  - ✓ مخالف با اصول مذهب است.
  - ✓ مخالف با قداست ائمه است.
۲. نمی توانیم بگوییم این اخبار از ائمه صادر شده است.
۳. احتمال اینکه بگوییم «این بیع دارای مصلحت غالبه است یا ترک آن مفسده غالبه داشته است و لذا این بیع قبیح نبوده بلکه شاید ترک آن قبیح باشد»، فاسد است چراکه:
۴. اولاً: بیع یک عنوان اعتباری است و چنین عناوینی دارای آن گونه مصلحت ذاتی نیست که عقل آن را درک

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص: ۲۱۹



نکند (اگرچه گاه مصلحت تسهیل یا مفسده تضییق موجود است ولی در مانحن فیه چنین امری فرض ندارد چراکه مسلمان می تواند انگور را به دیگری بفروشد)

۵. ثانیاً: این احتمال مخالف ظاهر روایات است چراکه روایات علت تجویز را «بیع در زمان حلیت» قرار داده است و این روایات می گوید وقتی می توانی بخوری و بیاشامی، بیع هم حلال است و گناه به گردن دیگری است.

حضرت امام سپس مطلب خود را مطابق با کلام صاحب ریاض می دانند و می نویسند:

«فنعلم ما قال السيد في الرياض، حيث قال: «في مقاومة هذه النصوص، وإن كثرت و اشتهرت و ظهرت دلالتها بل و ربما كان في المطلب صريحا بعضها، لما مرّ من الأصول و النصوص المعتمدة بالعقول إشكال، و المسألة لذلك محلّ إعضال، فالاحتياط فيها لا يترك على حال»<sup>۱</sup>

ایشان در پایان به جمع مورد نظر شیخ انصاری اشکال می کنند (حرمت در صلیب و صنم و جواز در بریط و خمر به این معنی که در امور مهم حکم به حرمت می کنیم و در امور غیر مهم، حکم به جواز):

«مع أنّ التفصیل بین الصلیب و الخمر بعید، بعد کون الصلیب ظاهراً هو ما یصنع شبيه ما صلب به المسيح - علیه السلام - علی زعمهم، و إنّما یکرّمونه لذلك و لا یعبّدونه كما یعبّد الصنم كما زعم. ... فحینئذ فالحکم بجواز بیع العنب و الخشب ممّن یصنع الخمر و البرابط، و عدم جواز بیع الخشب ممّن یعمل الصلیبان، لا یخلو من بعد، فإنّ الظاهر أنّ الخمر أشدّ حرمة من تکریم عود یتخیّل کونه تکریماً للسید المسيح - علیه السلام، بل لو کان حراماً لا یبعد أن یکون لوجه التشريع، أو لکونه شعار النصارى، و إن یمکن أن یقال: صیورته شعاراً لهم، أوجبت الاهتمام به و تحریم التسیب إليه زائداً علی غیره.»<sup>۲</sup>

تا کنون گفتیم:

از میان ادله حرمت اعانه بر اثم، حکم عقل را پذیرفتیم که می گفت: «هر گونه کاری که می دانیم عرفاً حرام بر آن مترتب می شود حرام است» در مقابل روایات مجوزه بود و روایتی هم حکم عقل را تأیید می کرد.

حضرت امام روایات مجوزه را به آنچه می توانیم آن را ذوق فقاهت ایشان بدانیم، رد کردند ولی در مقابل گروهی مطابق با روایات مجوزه مشی کردند (ایروانی)، گروهی هم در امور هائمه حکم به تحریم و در امور غیر هائمه حکم به جواز کردند (دراسات).

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۲۱۹

۲. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۲۲۱

## تتمیم کلام مرحوم خوئی:

چنانکه شناختیم مرحوم خوئی از زمره قائلین به جواز اعانه بر اثم بود از ایشان تا کنون دو دلیل را خواندیم که یکی جواز سقی کافر بود (که آن دلیل را رد کردیم) و دیگری تمسک به روایات مجوزه بود. ایشان به عنوان سومین دلیل به سیره قطعیه تمسک می کنند:

«الثالث: قیام السیره القطعیة علی الجواز، ضرورة جواز المعاملة مع الکفار و غیر المبالین فی أمر الدین من المسلمین بیع الطعام منهم و لو کان متنجسا كالحلم و إعارة الأواني إياهم للطبخ و غیره، مع أنه إعانة علی أكل الطعام المتنجس بمباشرتهم إياه، و وجوب تمکین الزوجة للزوج و إن علمت بعدم اغتساله عن الجنابة، فيكون التمکین إعانة علی الإثم، و أيضا قامت السیره القطعیة علی جواز تجارة التاجر و مسير الحاج و الزرار و إعطائهم الضربة المعينة للظلمة، مع أنه من أظهر مصادیق الإعانة علی الإثم.

و أيضا قضت الضرورة بجواز إجارة الدواب و السفن و السيارات و الطيارات من المسافرين، مع العلم إجمالا بأن فيهم من يقصد فی ركوبه معصية. و أيضا قامت السیره القطعیة علی جواز عقد الأندية و المجالس لتبليغ الاحكام، و إقامة شعائر الافراح و الأحزان بل علی وجوبها فی بعض الأحيان إذا توقف علیها إحياء الدین و تعظیم الشعائر، مع العلم بوقوع بعض المعاصی فيها من الغيبة و الاستهزاء و الكذب و الافتراء و نظر كل من الرجال و النساء الی من لا يجوز النظر اليه و غيرها من المعاصی.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. سیره داریم بر اینکه در مواردی اعانه بر اثم جایز است.
۲. الف) می توان به کفار طعام فروقت (چه پاک باشد و چه متنجس) در حالیکه وقتی آنها آن را می خورند اگر پاک باشد هم نجس می شود.
- ب) می توان به کفار ظرف عاریه داد در حالیکه وقتی به آن دست می زنند، نجس می شود و باعث اکل نجس می شود.
- ج) زوجه باید از زوج تمکین کند حتی در صورتی که می داند زوج بعدها غسل نمی کند پس تمکین او اعانه بر اثم (بقاء بر جنابت) است.
- د) می توان در مسیر حج می توان به حکومت ظلم مالیات داد در حالیکه مالیات کمک به آنها می باشد.
- ه) می توان تجارت کرد و مالیات حکومت جور را داد.

۱. مصباح الفقاهة (المکاسب)؛ ج ۱، ص: ۱۸۳



و) می توان وسیله سفر به مسافرین اجاره داد در حالیکه می دانیم اجمالاً که در بین مسافرین برخی قصد معصیت دارند.

ز) می توان مجالس جشن و یا عزا برگزار کرد در حالیکه می دانیم در آنها بعضی از معاصی واقع می شود  
[اندیه (ج: ندوه): انجمن]

